



۲۰۱۶/۱۲/۱۸



دوکتور محمد ظاهر عزیز

## بحث فرهنگ

در روزهای نزدیک گذشته مطالب دلچسپی را بر فرهنگ، تهاجم فرهنگی و فرهنگ ملی افغان ها در سایت وزین آریانا افغانستان آن لاین خواندم. با آنکه با فرهنگ بعضی کلمات متون تعدادی از مقالات نویسندگان محترم موافق نیستم، من به نویسندگان صاحبقدر این مبحث خیلی پیچیده (فرهنگ) که تمامی مظاهر و اجزای حیات انسان ها را در همه اجتماعات جهان احتوا می کند و در حال تغییر، تحول و یا ارتقاء جدی و سریع قرار دارد، با حرمت شاد باش می گوئیم. اما، باید گفت که در نوشته های تعداد کثیری از هموطنان عزیز تنها بر یکی از مظاهر فرهنگ (زبان) تأکید صورت گرفته است.

با در نظر داشت اهمیت این مبحث و استفاده از نوشته های قبلی اینجانب در زمینه فرهنگ و اجزای وابسته به آن، مطالب زیر را در چند عنوان به توجه خوانندگان محترم سایت آریانا افغانستان آن لاین می رسانم. در ضمن اولین سالگرد این سایت مفید و خواندنی را به گردانندگان آن که در پی حفظ هویت فرهنگی مردم افغانستان نیز هستند، با حرمت تقدیم می نمایم.

### بحث فرهنگ

قسمت سوم

ه: تنوع و هویت فرهنگی در افغانستان:

#### ۱: اصل تنوع فرهنگی :

کشورهای چند فرهنگی و چند قومی، از آنجمله افغانستان، تکیه گاه اصلی و واقعی همبستگی اجتماعی دیموکراتیک هستند. در مقدمه میثاق حفظ و توسعه تنوع بیان های فرهنگی سازمان تعلیمی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) تنوع فرهنگی را خصوصیت متمایز جامعه بشری حساب نموده، به آن مقام مهمی از ارزشهای انسانی، قابل میگردد. گفته شد که فرهنگ برای اکثر مردم موفقیت هنری و فکر به سطح بلند، توسعه علم و هنر و علوم انسانی و فلسفه را به خاطر می آورد و بیان نبوغ مردم در یک جامعه تلقی میشود.

آیا گفته میتوانیم که کردار ها، طرز تفکر و روش حیات در همه کشورها، در همه جوامع و در همه شهرها و قریه ها یکسان هستند؟ آیا حق داریم بگوئیم که خوبی ها، ارزشها، خوردنی ها و طرز حیات یک جامعه بر جامعه دیگر در عین کشور و یا بیرون از کشور بهتر هستند؟

آیا میتوانیم ثابت کنیم که نژادی بر نژاد دیگری از لحاظ صورت و یا شکل فیزیکی و یا عقلانی برتری دارد؟ آیا لباس ها و خانه های مردم در یک کشور یکسان هستند و یا اینکه تفاوت دارند و نظر به ضرورت محیط و حاصلات محل زیست که دانش ساختن و پوشیدن آن در طول قرنها از طرف مردم آن محل کسب گردیده، ظاهر شده اند؟

تعجب نباید کرد که چرا تعدادی از نویسندگان، از فرهنگ به عنوان یکی از عمده ترین و مهمترین مفاهیم علوم اجتماعی نام برده اند، زیرا که اندازه شکل گیری، رفتار، کردار و عقاید ما توسط جمعیتی که بدان تعلق داریم بی نهایت زیاد است. ضمناً عوامل محیطی و پیدوار، در تمامی حالات و اندازه شکل گیری، رفتار و کردار ما تأثیرات عمیق دارد و متفاوت اند.

شاید خیلی تعجب آور نباشد که در تاریخ مرادفات انسانی، اکثر گروه‌های قومی و یا نژادی بیش از آنکه تحت تأثیر شباهت های خود با دیگران قرار گیرند، متوجه تفاوت های خود با آن ها شده اند و به این عقیده بودند که اگر دیگران با ما تفاوت دارند، پس آنها قاعدتاً دون مرتبه از ما هستند. این نوع طرز دید نه ارزش معنوی دارد و نه اهمیت انسانی. آنچه اهمیت دارد و درست هم است اینست که گروه های قومی و نژادی از هم متفاوت اند اما از نظر مقام انسانی با هم برابر هستند. دانشمندان انسان دوست میگویند: "گاهی باید عینک فرهنگی خود را برداریم، تا بتوانیم شیوه های زندگی اقوام مختلف را عاری از تعصب مشاهده کنیم."

ضمناً ثابت است که از سال هایی چند تغییرات عمده و پر ثمری در طرز دید جوامع مختلف با ارتباط تفاوت های نژادی، قومی و زبانی به ملاحظه رسیده و اسباب خوشنودی و انسان دوستی گردیده است. در اعلامیه سال ۱۹۶۷ یونسکو در باره نژاد، عباراتی به این مضمون ذکر گردیده: "گروه های قومی را باید تشویق کرد تا ارزش های فرهنگی خود را حفظ کنند و از این طریق در پُر بار نمودن کل فرهنگ بشری سهیم باشند."

قبلاً ذکر گردید که فرهنگ به رفتاری که مخصوص انسان هاست و همچنان به روش های مشخص زندگی که در جوامع مختلف انسانی به چشم می خورد، اطلاق می شود. از نظر مفاهیم تعلیم و تربیه، تفاهم بین المللی، اکثراً پیشنهاد شده است که تهیه و عرضه اطلاعات در مورد نوع و طرز رفتار و کردار دیگران امر مهم است. مراد از این گفته این است که نوع اطلاعات بر دیگران تأثیرات عمیق بر کسانی که چنین اطلاعات را حاصل می نمایند، می آورد. با آنکه کسب اطلاعات بر دیگران، گاهی به دید دوستانه از مردم دیگر منجر نمی شود، ولی بهتر است روابط خود با سایر مردم را به جای جهل بر دانش استوار کنیم.

در دنیای متحولی که ما زندگی می کنیم و مخصوصاً با در نظر داشت نقش بارزی که رسانه های گروهی در شناخت و احوال جوامع مختلف جهان دارند و دسترسی به رسانه های گروهی حتی در جوامع کمتر انکشاف یافته هر روز بیشتر می شود، وسیله شناخت از جوامع و اقوام جهان نیز بیشتر و سریعتر میگردد. آنچه لازم است اینست که در ارائه معلومات بر دیگران باید تأکید بیشتر بر انسانیت مشترک همه ملت ها در جهان و همه اقوام در کشور ما گردد.

موضوع معقولتر در این زمینه میتواند این باشد که هم شباهت ها و هم تفاوت ها را در دید و طرز ارائه اطلاعات شامل سازیم. شناخت ما از فرهنگ هم در نظر گرفتن شباهت ها را حکم میکند و هم مستلزم دیدن تفاوت هاست و در ضمن باید خاطر نشان کرد که وجود تفاوت ها امر قابل تحمل و عادی است. علاوه بر آن، تفاوتها خصوصیت متمایز جامعه بشری است. ضمناً تنوع فرهنگی انسان ها میراث مشترک شان است و برای حفظ منافع عمومی باید به آن احترام گذاشت. "مهاتما گاندی"، کسی که احساسات آزادی خواهی و انسان دوستی او در اکثر جوامع جهانی قدر میگردد می گفت:

" نمی خواهم که اطراف خانه من دیوار باشد. نمی خواهم که پنجره های منزل مرا مهر و لاک نمایند. میخوام همه فرهنگ ها به منزل من راه داشته باشند و آزادانه بیرون شوند، بدون آنکه هویت اصلی خود را از دست دهم." مراد "مهاتما گاندی" در این گفته، پذیرفتن فرهنگ های دیگران است. این نوع طرز دید و پذیرش در اعتلای فرهنگ او و احترام متقابل میان فرهنگ ها، تأثیر عمیق و شایسته دارد.

## ۲: تنوع فرهنگی در افغانستان :

به استناد تاریخ ، افغانستان کشور صاحب فرهنگ و دارای ارزشهای معنوی عظیمی است که در یک دور تاریخ منتهی نمی گردند. ضمناً تنوع و تفاوت‌های فرهنگی مردم افغانستان که من از آنها خوشنود هستم ، یکی از ارزش ها و اصل های بزرگی است که در وحدت ملی، همبستگی اجتماعی، شناخت هویت ملی افغانی و پیاده نمودن روشهای دموکراتیک و توسعه اقتصادی نقش اصلی و اساسی دارند.

کشور ما تاریخ چند هزار ساله دارد که در این مدت های طولانی دستخوش خوبی های فرهنگی و بدی ها قرار گرفته است. در دور مختلف تاریخ کشور ما، فرهنگ های شایسته در این سرزمین پیدا شده و ضمناً با در نظر داشت موقعیت جغرافیائی آن یا این که فرهنگ های مردم و جهان دیگر که سابقاً زاده مردم افغانستان نبودند به افغانستان انتقال نموده اند و در این سرزمین به درجه عالی فرهنگی ارتقاء نموده و یا این که در هنگام تهاجمات متعدد ، فرهنگ های مردمان بیرون که توسط مهاجمین به افغانستان انتقال نموده اند، گاهی جانشین فرهنگ های محلی گردیده و اکثراً با فرهنگ های محلی یکجا گردیده، فرهنگ تازه ای بوجود آمده است. علاوه بر آن، گاهی مهاجمین، همه اجزای فرهنگی خود را با خود آورده ، یا با خود نگهداشته اند و یا فرهنگ مردم محل را برگزیده اند.

دین مبین اسلام مثال براننده ای است که بعد از سلطه عرب و اکثراً در اثر آرزومندی و خواست مردم افغانستان در افغانستان تعمیم گردید و اسلام علاوه از پیام الهی و دانش اسلامی، فرهنگ نوین، شامل زبان عربی که بعد در زبان های دری و پشتو و زبانهای محلی نفوذ کرد، با خود ارمغان داشت. این نوشته متضمن این مطلب است که مردم افغانستان متشکل از اقوام متعددی هستند که در طول تاریخ یا به صورت دائم در این کشور مستقر بوده اند و یا این که از کشورها و محلات بیرون مرزی امروز افغانستان به این سرزمین مهاجرت نموده و امروز مردم شایسته، دارای تنوع فرهنگی محلی با همه شایستگی ها، خصوصیات متمایز جامعه افغانی را تشکیل داده اند.

چونکه تنوع فرهنگی میراث مشترک همه افغانها است، باید برای حفظ منافع عمومی به آن احترام گذاشت و از تعدد و تنوع فرهنگی مردم افغانستان در بزرگی فرهنگی، همبستگی اجتماعی و اساسات دموکراسی واقعی بر مبنای احترام به همه، استفاده نمود.

تنوع فرهنگی در افغانستان، با ایجاد دنیای نو، متحرک و در حال تحول سریع و متنوع، دامنه اختیارات و امیدها را گسترش میدهد و ظرفیت های انسانی و ارزشهای مردم افغانستان را تقویت میکند و به همین دلیل در صورت استفاده معقول و با فضیلت با ارائه برنامه های علمی فرهنگی، سرچشمه رشد متدوام اجتماعات مردم افغانستان را میسر می سازد.

تنوع فرهنگی مردم افغانستان که دارای شایستگی های صاحبقدر انسانی هستند، اسباب تقویت اساسات دموکراسی، همبستگی ملی و اجتماعی، تحمل و بردباری، عدالت اجتماعی و احترام متقابل بین مردم و اقوام مختلف و محلات

افغانستان میشود. برای تقویت صلح و امنیت، حقوق بشر و شناخت و احترام به یک دیگر در سطوح محلی و ملی ضروری به حساب می آید.

همه تحولات و اثرات جهان امروز هم در سطح جهانی و هم در سطح ملی و محلی حکم می نمایند که فرهنگ در طی زمان متنوع میگردد. این نوع اثرات در تنوع فرهنگی مردم افغانستان نیز نقش کلی دارد و در تمامی حالات حیات فرهنگی و زندگی ما ظاهر میگردد. ضمناً ریشه در اصالت و کثرتگرایی هویت ها و بیان های فرهنگی مردم افغانستان نیز دارد.

اگر تاریخ درد آور سالهای نه چندان دور کشور ما درسی برای ما داشته باشد، این درس آن است که باید از تنوع و تفاوت های فرهنگی مردم افغانستان خوشنود باشیم و از آنها درس زندگی در راه برابری، عدالت اجتماعی، همبستگی، نه تنها قبول احترام به دیگران بلکه عمل احترام به همه، بگیریم و بنیان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور خود را مبتنی بر بردباری و سازگاری متقابل افزایش دهیم.

"خاوپرپریریز"، سرمنشی (سکرتر جنرال) اسبق سازمان ملل متحد گفته است، "هیچ فرهنگی بر فرهنگ دیگر برتری ندارد و فرهنگها میتوانند با مفهوم ها و نگرشهای جدید خود یک دیگر را غنا بخشند."

